



حواشی و واکنش‌ها به فصل هفتم؛ از گسترده‌گی تبلیغات تا حذف شخصیت‌ها

فصل هفتم سریال «پایتخت»، در کنار محتوای نمایشی خود، با موجی از حواشی رسانه‌ای، اعتراضات رسمی، نقدهای فنی و بازخوردهای مردمی مواجه شد که وجهی مهم و غیرقابل انکار از تجربه‌ی این فصل را تشکیل می‌دهد. در واقع، سریال نه فقط از منظر داستان‌پردازی و ساختار فنی مورد ارزیابی قرار گرفت، بلکه در سطح رسانه‌ای نیز به یکی از پرباکنش‌ترین مجموعه‌های نوروزی سال تبدیل شد.

یکی از نخستین حواشی، مربوط به جایگزینی ناگهانی بازیگران نقش‌های سارا و نیکا بود؛ دو شخصیتی که از دوران کودکی در سریال حضور داشتند و برای مخاطبان، نوعی پیوند احساسی و خاطره‌انگیز ایجاد کرده بودند. انتخاب بازیگران جدید بدون هرگونه زمینه‌سازی در روایت یا تلاش برای توجیه منطقی آن، باعث شد این تغییر نه تنها به چشم نیاید، بلکه نوعی شکستن پیوست داستانی تلقی شود. واکنش مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی، عمدتاً منفی و مبتنی بر ناراضی‌های از این تصمیم بود؛ تصمیمی که به‌زعم بسیاری، بیش از آن که فنی باشد، نوعی بی‌توجهی به حافظه‌ی عاطفی مخاطب بود.

در ادامه‌ی این روند، حذف شخصیت «بهیود فریا» نیز بدون هرگونه توضیح داستانی، بار دیگر این احساس بی‌توجهی به پیوستگی‌های روایی را تشدید کرد. بازگشت بهیود در فصل ششم با هیجان و استقبال

زیادی همراه بود، اما در فصل هفتم، نبود او نه تنها از نظر احساسی، بلکه در سطح روابط شخصیت‌ها نیز خلأ محسوسی ایجاد کرد. تغییر بازیگر نقش بهروز فریبا نیز، بی‌تأثیر در این گسست نبود؛ شخصیتی که پیش‌تر با بازی پارسا جعفری شناخته شده بود، اینک با چهره‌ای کاملاً متفاوت و بدون حفظ ویژگی‌های شخصیتی گذشته بازگشت، و از دید بسیاری از مخاطبان، به کاراکتری بی‌اثر و حاشیه‌ای تبدیل شد.

در کنار این تغییرات در ترکیب بازیگران، یکی از پُرچشم‌ترین انتقادات به پخش فصل هفتم، مربوط به فراوانی آگهی‌های بازرگانی در طول قسمت‌ها بود. سریال در بازه‌هایی آن قدر وقفه تبلیغاتی داشت که مخاطبان در فضای مجازی آن را به طنز، «پایتخت با طعم بازرگانی» نامیدند. این میزان از تبلیغات، نه تنها ریتم سریال را مختل می‌کرد، بلکه حسی از بی‌احترامی به مخاطب ایجاد می‌کرد که به جای اولویت دادن به روایت و تجربه‌ی تماشای، جنبه‌ی تجاری اثر برجسته‌تر شده است.

از حواشی رسانه‌ای فراتر، فصل هفتم حتی با اعتراضات رسمی نیز روبه‌رو شد. یکی از این واکنش‌ها مربوط به سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران بود که در نامه‌ای رسمی به رئیس صداوسیما، نسبت به نمایش اغراق‌آمیز و تحقیرآمیز برخی رفتارها و شوخی‌ها اعتراض کرد. در این نامه، اشاره شد که برخی صحنه‌ها می‌تواند موجب سوءبرداشت درباره حرفه‌ی مشاوره و روان‌شناسی شده و تأثیر منفی

فرهنگی به همراه داشته باشد. این واکنش، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها یافت و نشانه‌ای جدی از حساسیت حرفه‌ای نسبت به محتوای ارائه‌شده در سریال بود.

در سطح رسانه‌ای و نقدهای تخصصی نیز، نگاه‌ها به فصل هفتم عمدتاً انتقادی بود. بسیاری از منتقدان تلویزیونی، ضعف انسجام فیلمنامه، تکرار شوخی‌ها، بی‌هدفی داستان و فقدان منطق در خطوط روایی را از جمله ایرادات ساختاری این فصل برشمردند. برخی نیز به استفاده نکردن درست از ظرفیت لوکیشن تاجیکستان، سطحی بودن پرداخت‌های فرهنگی، و عدم حضور مؤثر شخصیت‌های زن انتقاد داشتند.

در شبکه‌های اجتماعی نیز، بازتاب‌ها بسیار گسترده بود. کاربران عادی، در کنار طرفداران قدیمی سریال، اغلب نسبت به افت کیفی آن ابراز تأسف کردند و در عین حال، بر لزوم بازگشت سریال به ریشه‌های اصیل خود تأکید داشتند. البته در این میان، برخی نیز از نقاشی مثبتی چون حضور شخصیت کودک سالار معمولی، موسیقی دل‌نشین آریا عظیمی‌نژاد و تلاش تیم بازیگری برای حفظ فضای سریال قدردانی کردند.

در مجموع، حواشی فصل هفتم «پایتخت»، نه صرفاً پیرامون سریال، بلکه بخشی از تجربه‌ی تماشای آن برای مخاطب بود. این حجم از واکنش‌ها نشان‌دهنده‌ی جایگاه خاص سریال در حافظه‌ی فرهنگی جامعه است - سریالی که شاید دیگر نتوان آن را نادیده گرفت، حتی اگر کیفیت محتوایش زیر سؤال برود.